

تهران آمادگی مذاکرات «جامع» را ندارد

اخیرا کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه، سیزدهم ژانویه (۲۴ دی) را تاریخ برگزاری دور جدید رایزنی‌ها بین ایران و سه کشور اروپایی به میزبانی ژنو اعلام کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی نیز در نشست خبری این هفته و در پاسخ به سؤالی درباره دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا خبر داد: «دور دوم دیدارها ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه در ژنو انجام می‌شود و ادامه گفت‌وگوهای آذرماه خواهد بود».



عبدالرحمن فتح‌الهی: اخیرا کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه، سیزدهم ژانویه (۲۴ دی) را تاریخ برگزاری دور جدید رایزنی‌ها بین ایران و سه کشور اروپایی به میزبانی ژنو اعلام کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی نیز در نشست خبری این هفته و در پاسخ به سؤالی درباره دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا خبر داد: «دور دوم دیدارها ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه در ژنو انجام می‌شود و ادامه گفت‌وگوهای آذرماه خواهد بود». پیش‌تر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در مصاحبه‌ای با سی‌سی‌تی‌وی چین به تلاش تنش‌زدایانه با اروپا اشاره داشت و به گفته او، «یک دور مذاکره با کشورهای اروپایی صورت گرفته است و دور دوم این مذاکرات نیز تعیین شده که ظرف کمتر از دو هفته آینده با سه کشور اروپایی انجام خواهد شد».

از ادعاها بر سر توافق جدید هسته‌ای تا میانجیگری دوباره پاریس

هم‌زمان یک پایگاه نزدیک به منابع اسرائیلی و آمریکایی مدعی شده نمایندگان سه کشور اروپایی در نشست ۹ آذر در ژنو به ایران پیشنهاد یک توافق جدید هسته‌ای داده‌اند. دیپلمات‌های ارشد سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و انگلیس) و ایران در اواخر ماه نوامبر نشستی در ژنو برگزار کردند. به نوشته دنیای اقتصاد، به نقل از آکسیوس، این وب‌سایت خبری به نقل از یک دیپلمات اروپایی و دو منبع دیگر ادعا کرده دیپلمات‌های اروپایی در آن نشست به طرف ایرانی گفته‌اند که توافق برجام، «تهی و باطل» شده و برای رسیدگی به وضعیت فعلی برنامه هسته‌ای ایران، به یک توافق جدید نیاز است. طبق این ادعا، دیپلمات‌های اروپایی گفته‌اند در صورت نرسیدن طرف‌ها به توافق تا ماه سپتامبر، آنها از سازوکار بازگرداندن خودکار تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران استفاده خواهند کرد. طبق این گزارش، دیپلمات‌های ایران هشدار داده‌اند در صورت وقوع چنین سناریویی، از معاهده ان‌پی‌تی خارج خواهند شد و به تمامی بازرسی‌ها و نظارت‌ها از تأسیسات هسته‌ای خود پایان خواهند داد.

در کنار این نکات، امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه، در تازه‌ترین اظهارنظرش با ادعای اینکه «برنامه هسته‌ای ایران در حال نزدیک شدن به نقطه بی‌بازگشت است»، گفت پاریس باید با دولت ترامپ درباره ایران گفت‌وگوی راهبردی داشته باشد. به نوشته ایسنا، مکران که در پاریس و در جمع سفرای فرانسه در کشورهای جهان صحبت می‌کرد، بیان کرد: «رهبران جهان باید از خود بپرسند آیا باید سازوکار بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را قبل از اکتبر ۲۰۲۵ فعال کنند یا خیر». رئیس‌جمهور فرانسه در اظهاراتی علیه ایران، مدعی بود که «تهران، چالش استراتژیک و امنیتی اصلی برای فرانسه، اروپایی‌ها، قه و



با توجه به آنچه گفته شد، طیفی از تحلیلگران فاصله ۴۵ روزه از نشست ۹ آذر در ژنو تا دور دوم گفت‌وگوها را با توجه به برخی شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در آستانه روی کار آمدن دونالد ترامپ، به هیچ‌وجه قابل توجیه نمی‌دانند؛ به‌خصوص آنکه هنوز قرار نیست موتور مذاکرات رسمی با هدف تنش‌زدایی بین ایران و اروپا در 24 دی‌ماه روشن شود و کماکان این دیدارها در قالب گفت‌وگوهای اولیه برای ارزیابی از خواسته‌ها و مطالبات طرفین برگزار می‌شود. از همین رو، بازخوانی مسیر طی‌شده در تنش‌زدایی با اروپایی‌ها، محور گفت‌وگوی «شرق» با ساسان کریمی است. البته معاون بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری، ریل‌گذاری و عملکرد حدود چهارماهه دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم در این زمینه (تنش‌زدایی با اروپا) را کاملاً قابل دفاع می‌داند. هرچند از منظر مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، «گلوگاه اصلی این مذاکرات، نه تهران بلکه اروپایی است که اکنون به دنبال تأخیر در آغاز مذاکرات جدی با ایران تا زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ است». آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این گپ‌وگفت است.

طبق اخبار واصله، قرار است ۲۴ دی‌ماه دور دوم گفت‌وگوهای ایران و اروپا به میزبانی ژنو برگزار شود. در این میان طیفی از ناظران فاصله بیش از یک ماه بین دور اول و دوم این گفت‌وگوها را با توجه به شرایط بی‌سابقه منطقه و جهان غیرقابل توجیه می‌دانند. این در حالی است که شما در گفت‌وگوی پیشین خود با «شرق»، معتقد بودید دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم و شخص وزیر، نه تعجیل در مذاکرات را در دستور کار دارد و نه به دنبال مذاکرات فرسایشی، فرصت‌سوزی و مذاکره برای مذاکره است. اما اینکه دور دوم ملاقات‌های ژنو کماکان در قالب یک گفت‌وگو، رایزنی و ارزیابی اولیه مطالبات و خواسته‌های طرفین از همدیگر تعریف شده و هنوز هم خبری از «مذاکرات» جدی نیست، مصداق بارز فرصت‌سوزی نخواهد بود؟

واقعیت امر این است که برای آغاز مذاکرات جمهوری اسلامی ایران، چه با سه کشور اروپایی عضو برجام (آلمان، فرانسه و انگلستان) و چه با کل اتحادیه اروپا، گلوگاه تهران نیست. جمهوری اسلامی ایران و دولت چهاردهم در چند ماه گذشته بارها از آمادگی خود برای مذاکره گفته‌اند، اما موضوع اینجاست که اکنون اراده جدی از طرف اروپا برای آغاز مذاکرات وجود ندارد. این جمله منقول از دکتر ظریف هم هست که «اروپایی‌ها شفا نمی‌دهند، اما کور می‌کنند». لذا همین دفع شر و مدیریت تنش با اروپا هم قابل دفاع است.

به گفته شما بازمی‌گردم، اما عجلتا چه دلیلی وجود دارد که شاهد تأخیر یا آغازنشدن مذاکرات جدی از جانب اروپایی‌ها هستیم؟ موضوع ناظر بر جنگ اوکراین است یا دوره گذار تا روی کار آمدن دولت ترامپ؟

من معتقدم اروپایی‌ها توانمندی راهبردی برای حل چالش‌ها، مشکلات و موضوعات جاری را ندارند و نیم‌نگاه جدی‌ای به روی کار آمدن دونالد ترامپ دارند تا ببینند ایالات متحده چه سیاست و برنامه‌ای را در قبال ایران پیاده می‌کند.

با این حال، وضعیت کنونی توسط دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم قابل دفاع است؟ آیا ما در یک تعلیق به سر نمی‌بریم؛ گویا که همه چیز فریز شده است؟

واقعیت امر آن است که ما باید مجاری دیپلماتیک با غرب و به‌خصوص اروپا را تا زمان روی کار آمدن دولت ترامپ باز نگه داریم و ببینیم چه سناریوهایی در قبال پرونده هسته‌ای ایران، جنگ اوکراین، تحولات خاورمیانه، مکانیسم ماشه و بسیاری از موضوعات دیگر شکل خواهد گرفت. اگر تعلیقی وجود دارد، به این دلیل است که همه منتظر تحولات بعد از بیستم ژانویه هستند.

به مسیر طی‌شده وزارت امور خارجه دولت چهاردهم بازگردیم. شخص وزیر بارها در مصاحبه با رسانه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از اعلام آمادگی خود برای مذاکرات جدی، چه با طرف آمریکایی و چه با طرف اروپایی گفته است؛ به نحوی که تقریباً این مواضع به‌عنوان یک موتیف از جانب عراقچی دیده می‌شود، بدون آنکه گام‌های عملی در این باره برداشته شود. بسیاری هم برخلاف ارزیابی شما، باور دارند دور اول گفت‌وگوهای ژنو بسیار دیر شروع شد و در همان هفته‌های اول آغاز به کار دولت چهاردهم می‌توانستیم این گفت‌وگوها را چه با شخص عراقچی و چه با شخص تخت‌روانچی انجام دهیم و در همان برهه‌ای که جوزپ بورل به‌عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا عمل می‌کرد و پیش از روی کار آمدن خانم کایا کلااس که یک نگاه ضدایرانی دارد، بستر برای بازکردن کانال‌های دیپلماتیک فراهم می‌شد.

تقویم مذاکراتی در کنترل وزارت امور خارجه و شخص وزیر نیست و پارامترهای متعددی هم در این زمینه دخیل است تا زمان انجام مذاکرات بین طرفین تعیین شود. از طرف دیگر آقای دکتر عراقچی یا هر وزیر امور خارجه‌ای هم به‌تنهایی نمی‌تواند دستورالعملی برای مذاکرات داشته باشد. گاهی امکان دارد در داخل کشور این آمادگی برای مذاکرات وجود نداشته باشد و برخی اوقات هم طرف مقابل یعنی اروپایی‌ها به هر دلیلی تمایلی به مذاکره جدی و محتوایی نداشته باشند، ولو آنکه شاید کارگزار هم با تصمیمی که برای مذاکره گرفته شده است، همراه و موافق نباشد. با این حال، وزیر باید تصمیمات و سیاست‌های کلان را اجرا کند، نه تشخیص و تحلیل خود را. از طرف دیگر، آقای دکتر عراقچی از آن دست کادر وزارت امور خارجه است که مراتب را از پایین به بالا طی کرده و اصطلاحاً نردبان وزارت امور خارجه را پله به پله و به‌طور کامل پیموده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان از دکتر عراقچی انتظار اقدامات و تصمیمات متهورانه‌تر از یک سطحی را داشت. با توجه به روحیات دکتر عراقچی، ایشان فردی است که تمایل دارد در چارچوب عمل می‌کند.

باز هم علی‌رغم آنچه گفتید، کماکان کارنامه چندماهه عباس عراقچی می‌تواند محل تردید باشد؛ چون در مقاطع حساس است که ابتکارات فردی می‌تواند تراز یک چهره سیاسی و دیپلماتیک را در قیاس با دیگر مقامات نشان دهد. این در حالی است که فردی همچون محمدجواد ظریف در دولت روحانی با ابتکارات فردی، مذاکرات با 1+5 را به شکل قابل دفاعی پیش برد. اما اکنون نه خبری از ابتکار شخصی است و نه اینکه تنش‌زدایی با اروپا حتی در سطح دولت سیزدهم فریز شود. در چهار ماه اخیر مشکلات به مراتب جدی‌تر از دولت سابق است. آیا این نگاه انتقادی و آسیب‌شناسی را جایز می‌دانید؟

به نظر من در شرایط کنونی جایز نیست چنین آسیب‌شناسی‌ای از دستگاه سیاست خارجی و شخص آقای دکتر عراقچی صورت بگیرد. البته من برای تمام آرا و نظرات احترام قائلم و معتقدم که حتی باید انتقادهای هم شنیده شود. ضمن آنکه در مقوله ابتکارات فردی نیز باید به روحیات و نگاه هر فرد توجه داشت. یقیناً اگر بنده وزیر امور خارجه بودم، عملکردی متفاوت از دکتر عراقچی داشتم، همچنان که دکتر عراقچی هم عملکرد متفاوتی از آقای دکتر ظریف داشته و دارد. لذا این یک موضوع کاملاً طبیعی است.

این گفته شما نوعی توجیه و فرار رو به جلو نیست؟ در دولت اول روحانی اصلاً فرصت‌سوزی جایز نبود و بدون فوت وقت مذاکرات جدی به‌عنوان محور فعالیت‌ها دولت در دستور کار بود.

سرمایه‌گذاری

پیش‌بینی سود 44% با ضمانت نامه تعهد پرداخت | بالاتر از بانک



«هزینه‌های» ابتکارات شخصی به مراتب بیشتر از «فواید» آن است و به همین دلیل سعی خواهند کرد براساس همان مقوله ساختار-کارگزار و در چارچوب سیاست‌های کلان عمل کنند، نه چیزی بیش از آن و به دنبال اعتمادزایی و کسب حمایت درونی باشند و بعد از آن به سراغ ابتکار عمل خواهند رفت. به همین دلیل همان‌گونه که گفتم، به دلیل روحیاتی که از آقای دکتر عراقچی سراغ دارم، ایشان سعی می‌کنند در چارچوب تعیین‌شده پیش بروند.

پس خبری از جریان‌سازی دیپلماتیک ظریف توسط عراقچی نیست و نباید دنبال چهره ترازوی از وزیر امور خارجه فعلی باشیم؟

من دوباره تکرار می‌کنم که نمی‌توان هیچ‌کس را با فرد دیگری مقایسه کرد. هر فردی و هر وزیر امور خارجه‌ای براساس شرایط، روحیات و ارزیابی خود عمل می‌کند. ضمن اینکه اقتضائات زمانی و مکانی و همچنین شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی هم بر عملکرد هر فرد مؤثر است. امکان دارد اگر آقای دکتر ظریف هم الان وزیر امور خارجه بودند، متفاوت از دوره قبل عمل می‌کردند که کاملاً طبیعی است. لذا من این مقایسه را چندان جایز نمی‌دانم.

اتفاقاً این نکته شما تأییدی بر گفته من است؛ چون هم در دولت روحانی، چه در مذاکرات دولت اول و چه در مذاکرات دولت دومش و هم در مذاکرات دوره رئیسی، چیزی به نام ضرب‌الاجل مطرح نبود. اما اکنون ما نهایتاً تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهرماه ۱۴۰۴) و قبل از انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ به عنوان ضامن اجرائی برجام فرصت داریم. هرچند برخی معتقدند در نشست فصلی پیش‌روی شورای حکام در همین اسفندماه سال جاری امکان برداشته‌شدن گام‌های عملی فعال‌شدن مکانیسم ماشه وجود دارد. پس با چنین فرصت محدودی اساساً نمی‌توان به دنبال مذاکره برای مذاکره و بازه‌های زمانی بیش از یک‌ماهه، آن هم برای پیگیری گفت‌وگو و ارزیابی‌های اولیه بود؟

موضوع این است که شما صرفاً از منظر تهران به مسئله نگاه می‌کنید. ما که نمی‌توانیم با خودمان گفت‌وگو کنیم و مذاکرات را انجام بدهیم. باید طرف مقابل هم این آمادگی را برای انجام مذاکرات داشته باشد یا خیر؟ به هر دلیلی اروپا اکنون تا زمان روی کار آمدن دولت ترامپ به دنبال مذاکره نیست؛ چون توان راهبردی حل اختلافات و چالش‌ها و مشکلات را ندارد و منتظرند تا واشنگتن، ریل‌گذاری لازم را داشته باشد و براساس آن عمل کند.

نکات شما درست، اما وقتی یک فاصله زمانی بیش از یک‌ماهه بین دو دوره گفت‌وگوهای ژنو صورت می‌گیرد...

بله با بخشی از گفته شما موافقم و من هم این فاصله زمانی را نشانه خوبی نمی‌دانم. اما درعین‌حال باید تأکید داشته باشم که این نشانه بد از جانب ایران مخبره نشده است. در این بین و پیرو تأکیدتان بر موضوع ابتکارات فردی، من در پیشنهادی که به وزارت امور خارجه داشتم به این موضوع اشاره کردم که باید مجموعه‌ای از ابتکارات مختلف و متنوع دیپلماتیک را در دستور کار قرار داد که ذهنیت دولت دونالد ترامپ و شخص ترامپ در قبال ایران در مسیر درست و مثبتی قرار بگیرد تا کنشگری او درخصوص ایران شکل بگیرد که البته این موضوع یک برنامه‌ریزی دقیق و خاص خود را می‌طلبد.

پس شما هم به ابتکارات اذعان دارید؛ چیزی که اکنون خلأ آن احساس می‌شود؟

منظور من این است که باید در سمتی حرکت کنیم که اجازه ندهیم دشمنان جمهوری اسلامی ایران تصویری منفی از کشورمان برای دولت جدید آمریکا و شخص دونالد ترامپ بسازند که این تصویر منفی، جریان‌ساز اقدامات و تصمیمات واشنگتن علیه تهران باشد؛ بلکه باید کنشگری ما این تصویرسازی را برای ترامپ شکل دهد.

تا چه اندازه با این انتقاد همراه هستید که مسئول دیپلماسی کشور طی چهار ماه گذشته سعی کرده است به‌جای یک استقلال رویه، نوعی انفعال را در برابر رادیکال‌های داخلی داشته باشد؟

به‌هیچ‌وجه من این انتقاد را درست نمی‌دانم و اتفاقاً اگر دقت کرده باشید طی چند روز اخیر ایشان سیل حملات و تخریب‌ها در فضای مجازی و توییتر توسط همین جریان‌های رادیکال داخلی بودند. درحالی‌که به نظر من آقای دکتر عراقچی تلاش دارد با بخشی از نیروهای هیئت حاکمه به سطحی از همسویی برسد تا با اعتمادزایی، زمینه کار مشترک فراهم شود. به واقع آقای دکتر عراقچی خود را نماینده کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند که نگاه کاملاً درست و قابل دفاعی است.

در این بین کاملاً هم طبیعی است وقتی فردی می‌خواهد نماینده تمام جریان‌های داخلی باشد، نمی‌تواند به موفقیت کامل دست پیدا کند و برخی جریان‌ها هم از او ناراضی خواهند بود. با وجود این و در کل، آقای دکتر عراقچی اهل مباحثات یا انفعال با هیچ جریانی نیست و در چارچوب سیاست‌های کلان، به دنبال تأمین منافع ملی است. به شکاف تهران و غرب پیرامون مذاکرات هم بپردازیم.

عباس عراقچی در گفت‌وگوی اخیری که با شبکه سی‌سی‌تی‌وی چین داشت بر مذاکراتی مبتنی بر الگوی برجام تأکید کرد، اما به نظر می‌رسد غرب سعی در پیگیری مذاکرات جامع یا مذاکره بر سر همه‌چیز یا هیچ‌چیز دارد. شما چنین آمادگی را در تهران برای مذاکرات جامع می‌بینید؟

تا اکنون من چنین آمادگی در تهران برای انجام مذاکرات جامع نمی‌بینم. البته چیزی که مطرح است، مذاکره چندمحوری یا چندبُعدی است. ضمن اینکه باید اذعان داشت توافقی مانند برجام یک استثنا در عرصه سیاست خارجی ایران بود. اما درحال حاضر شاید نیاز باشد ما یک مذاکرات چندبُعدی یا چندمحوری را پیگیری کنیم و سناریوها و طراحی لازم را در این باره داشته باشیم. اینجا هم چندان تفاوت یا چندان ایرادی وجود ندارد که بخواهیم روی یک محور، دو محور، سه محور یا چند محور گفت‌وگو کنیم. مضافاً اینکه مذاکره در هر موضوعی به معنای تسلیم و دادن امتیاز صرف نیست. قطعاً در هر مذاکره‌ای، امتیازاتی می‌دهیم و امتیازاتی می‌گیریم، اما در کل من چنین قطعیتی برای انجام مذاکرات جامع یا مذاکرات چندبُعدی و چندمحوری در تهران نمی‌بینیم. باین‌حال ضرری هم ندارد که به این موضوع فکر کنیم و همان‌طور که گفتم، سناریوسازی و طراحی لازم را داشته باشیم.

آیا آن‌گونه که برخی معتقدند ما باید دو محور مذاکره با اروپا و آمریکا را به شکل مستقل، موازی و هم‌زمان در دستور کار قرار دهیم؟ چون ظاهراً برخلاف دوره روحانی هر دو سوی آتلانتیک را از دست داده‌ایم.

اکنون شرایط کاملاً متفاوت از گذشته است و اروپایی‌ها هم بیشتر از هر زمان دیگری به این واقعیت رسیده‌اند که باید به آمریکا تاسی کنند. لذا به نظر من سرمایه‌گذاری کردن بیش‌ازحد روی مذاکرات صرف با اروپا می‌تواند هزینه بالایی را برای ما به دنبال داشته باشد.

اما اکنون خیلی از کشورهای اروپایی و مشخصاً آلمان به مراتب رادیکال‌تر از ایالات متحده عمل می‌کنند. غیر از این است؟

بله این نکته شما درست است، اما باز هم معتقدم که تصمیم نهایی اروپا به سیاست‌ها، آمریکا، بستگی دارد.

سرمایه گذاری

پیش بینی سود 44% با ضمانت نامه تعهد پرداخت ▶ بالاتر از بانک



بله این تحلیل شما درست است و باید کلیت سیاست خارجی ایران در سطح کلان تر دیده شود؛ چون نوعی دنباله روی کشورهای منطقه از آمریکا هم وجود دارد. مهم اینجاست که می توان همزمان با تنش زدایی در روابط با غرب به دنبال تقویت مناسبات پیرامونی و منطقه ای هم بود.

همان گونه که گفتید، قطعاً معادلات منطقه تابعی از تنش زدایی ایران با غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا است. اما همین گزاره شما در تقابل با عملکرد عراقی قرار دارد که شاهد چند دور تور دیپلماتیک به دلیل تحولات جاری در غرب آسیا بودیم. هر چند طیفی از ناظران، محکومیت برخی از کشورهای عربی منطقه بعد از عملیات روز توبه اسرائیل را ناشی از تحرکات دیپلماتیک منطقه ای وزیر امور خارجه می دانستند، اما به همان اندازه هم می توان این انتقاد را داشت که پس از تحولات سوریه یکی از بزرگ ترین یا بزرگ ترین غایب منطقه ای در نشست عقبه اردن، ایران بود. پس چطور باید موضوع را با این تناقض یا استاندارد دوگانه تحلیل کرد؟

موضوع تناقض نیست. ببینید، تحولاتی که شما به آن اشاره دارید نتیجه فعل و انفعالات چندساله است، پس نمی توانید از وزیر امور خارجه و دستگاه سیاست خارجی این انتظار را داشته باشید که ظرف چند ماه بتواند به همه امور رسیدگی کند. به هر حال شخص وزیر و دستگاه سیاست خارجی هم ظرفیت مشخص و تعیین شده ای دارد و اتفاقاً به باور من در همین چند ماه بیش از ظرفیت خود عمل کرده است. ضمن اینکه شرایط کنونی شرایطی نیست که دیپلماسی آن را به وجود آورده باشد. پس نمی توان این را هم انتظار داشته باشیم که تحولات ناشی از تضاد منافع بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و کنشگری بسیاری از جریان ها با نقش آفرینی چندماهه یک وزیر امور خارجه به نتیجه برسد و تحولات منطقه به طور کلی به نفع ما تمام شود. این درخواست و توقع بسیار زیادی از وزیران امور خارجه و دستگاه سیاست خارجی است. البته در همین برهه دستگاه دیپلماسی کار خود را به درستی انجام داده است.

با این بخش از گفته شما موافقم که تحولات کنونی نتیجه دیپلماسی نیست، اما این انتظار وجود دارد که برون رفت از این تحولات و شرایط با دیپلماسی قوت بگیرد؛ غیر از این است؟ کما اینکه بعد از هر جنگی، نهایتاً دیپلماسی و میز مذاکره است که می تواند همه چیز را تعیین کند.

این نکته شما درست است، اما همین انتظار هم انتظار کمی نیست. شما نمی توانید بحرانی را که نتیجه عملکرد چندساله و حتی چنددهه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای است و اکنون به یک وضعیت بی سابقه رسیده، در چند ماه با دیپلماسی به سامان برسانید. ضمن اینکه دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم در میانه بحران و جنگ آغاز به کار کرد. پس باید یک نگاه واقع بینانه و توقع درستی از وزارت امور خارجه و شخص وزیر داشته باشیم.



سرمایه گذاری

پیش بینی سود 44% با ضمانت نامه تعهد پرداخت ▶ بالاتر از بانک

